

و می‌شود گفت هیچ حریمی وجود ندارد. برای همین است که بی‌بان، با بازی نازنین فراهانی، که زنی است که سال‌ها از مرگ شوهرش درهان، گذشته است، چنان از دریافت یک هدیه از جانب مردی که از قدیم دوستش می‌داشته، دچار ترس می‌شود که با دستپاچگی دنبال جایی برای پنهان کردن آن است. چون در این فرهنگ غالب، هر چیز ساده‌ای می‌تواند تبدیل به آشوبی بزرگ برای خونریزی شود.

### یک قصه اجتماعی

فیلم، بی هیچ قضاوتی، تنها نمایش یک رسم است. زنی که شوهرش می‌میرد یا طلاق می‌گیرد، تبدیل به ناموس خانواده می‌شود و حق زندگی به کلی از او گرفته می‌شود. او می‌خورد، می‌خوابد، لباس می‌پوشد و فقط همین. امکاتی برای ازدواج دوباره، حتا اگر خیلی جوان باشد، ندارد. اگر نسل امروزی باشد، هرگز به او اجازه داده نمی‌شود که بیرون از خانه کار کند. باید چشم بر همه چیز ببندد، تارک دنیا شود و اگر بچه‌هایی دارد، آنها را بزرگ کند. این فرهنگ غالب است. و گویا هیچ اراده جمعی، برای بازنگری و تجدید نگاه در چنین رسومی وجود ندارد.

بی‌بان هیچ خلوتی ندارد. حتا وقتی در نیمه‌های شب، پنهانی، هدیه فرستاده شده ر باز می‌کند، چشمی هست که او را می‌پاید. پسر نوجوانش به نام میران. خورشید آن ماه، انباشته از نشانه‌های فرهنگ بلوچستان



نگاهی به فیلم خورشید آن ماه

## انباشته از فرهنگ بلوچ

زهرامشتاق



فیلم خورشید آن ماه در رابطه با زنی به اسم بی‌بان بوده که عاشق مردی به اسم همراز شده بود، ولی این عشق تبدیل به عشقی ممنوع می‌شود. بی‌بان عروس یک خانواده و مادر یک پسر بود که سال‌ها پیش همسرش را از دست داده. وقتی پسرش از عشق مادر باخبر می‌شود با عمویش این مسئله را مطرح می‌کند و بی‌بان با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود. فیلم حس مالکیتی که آنان را فاقد هویت مستقل و فردیت خود می‌کند مورد نقد قرار می‌دهد. موضوع دیگری که توجه مخاطب را به خود جلب می‌کرد دیالوگ‌های فیلم با زبان بلوچی است که تا به حال در سینما فیلمی این‌گونه ساخته نشده بود.

این نخستین فیلم سینمایی ایرانی است که به زبان بلوچی ساخته می‌شود. آن هم با بازیگران حرفه‌ای فارسی زبان که تحت تعلیم یک معلم بلوچ، توانسته‌اند قصه فیلم را با زبان بلوچی و لهجه درست صحبت کنند و البته که پیشینه بازیگری کارگردان، در هدایت بازیگران فیلم نیز موثر واقع شده است.

این فیلم، سوخت بر، کپر نشین و گاندو ندارد. نشانه‌هایی که مرکز نشینان، وقتی فیلمی در این خطه کار بسازند، آن را وارد فیلم می‌کنند. خورشید آن ماه، فیلمی درباره یک خانواده متوسط شهر نشین است که در بندر چابهار زندگی می‌کنند. شغل مرد خانواده، مثل اغلب بندر نشینان، صید و ماهی‌گیری است. خانواده، به صورت جمعی و در یک خانه، با معماری مرسوم سنتی اقامت دارند. اتاق‌های متعدد که در هر کدام یک خانواده زندگی می‌کنند؛ نشانه‌ای از زندگی قبیله‌ای که در روستاهای این استان به شکل جاری و پیرنگی دیده می‌شود. این نوع از زندگی، به دلیل استحکام ساختار خانواده و تقویت فضای خویشاوندی، از جمله ویژگی‌های مثبت آن تلقی می‌شود.

**افراد از خصوصی‌ترین مسائل یکدیگر با خبر هستند و درباره آن تصمیم می‌گیرند و می‌شود گفت هیچ حریمی وجود ندارد. برای همین است که بی‌بان، با بازی نازنین فراهانی، که زنی است که سال‌ها از مرگ شوهرش درهان، گذشته است، چنان از دریافت یک هدیه از جانب مردی که از قدیم دوستش می‌داشته، دچار ترس می‌شود**

است. زبان، پوشش، غذا، موسیقی. فیلم به رغم نمایش زیبایی‌های طبیعی این استان، از جمله دریا و کوه‌های مریخی، تقریباً هیچ نمای کارت پستالی ندارد و تمام جزئیات، برای روایت یک قصه اجتماعی که پیشینه‌ای کهن دارد، به خدمت گرفته شده است. چهره پردازی انجام شده نیز در جهت تقویت ظاهر بازیگران و باورپذیری آنها در نقش بومی‌شان، موفق بوده است. هم چنانکه طراحی و چیدمان صحنه و لباس بازیگران و البته همراهی موسیقی حسین علیزاده، به فیلم کمک موثری کرده است.

خورشید آن ماه می‌تواند دستمایه نشست‌های جامعه شناسانه و محافل دانشگاهی باشد و البته آینه‌ای باشد در برابر اقوامی که هنوز در مسیر چنین اندیشه و رسومی گام برمی‌دارند.

اما در عین حال، معنای دیگرش، می‌تواند در هم تنیدگی روابط و نداشتن خلوت باشد. افراد از خصوصی‌ترین مسائل یکدیگر با خبر هستند و درباره آن تصمیم می‌گیرند